



رساله سطح چهار

رشته: فقه و اصول

عنوان:

بررسی تطبیقی محدوده ای مطاف در مذاهب اسلامی

**استاد محترم راهنما:**

حجة الاسلام و المسلمین؛ مهدی اوجی

**استاد محترم مشاور:**

حجة الاسلام و المسلمین؛ عباس نامدار

**دانش پژوه:**

سید محمد مسینی

کد دانش آموزی: ۱۱۵۱۳۳۸

برای حمایت از حقوق پدیدآوران در آنها (وزارت علوم، تحقیقات، فناوری به شماره ۱۹۵۹۲۹/۱ و تاریخ ۱۳۹۵/۹/۶) از پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج) در پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایراندک) فراهم شده و استفاده از آن با رعایت کامل حقوق پدیدآوران و تنها برای هدفهای علمی، آموزشی، و پژوهشی و بر پایه قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان (۱۳۴۸) و الحاقات و اصلاحات بعدی آن و سایر قوانین و مقررات مربوطه شذنی است.

## تقدیر:

با سپاس و ستایش خالق جمیع آثار و درود و سلام بر خاندان علم و دانش بر خود لازم میدانم از تمام کسانی که بنده را تدوین این رساله یاری نموده اند کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم، از جمله مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی، گروه فقه و اصول و امور پایاننامه. مخصوصاً اساتید ارجمند و بزرگوار راهنما و مشاور جناب آقای حجة الاسلام والمسلمین مهدی اوجی که با وجود مشغله‌ی فراوان راهنمایی این رساله را به عهده گرفتند که با صبر و لطف تمام، این حقیر را در انجام این نوشته هدایت و حمایت نمودند و جناب آقای حجة الاسلام والمسلمین عباس نامدار که مشاور این رساله را قبول نمودند و در انجام رسیدن این کار از هیچگونه هدایت و راهنمایی دریغ نورزیدند. امیدوارم خداوند متعال بر توفیقاتشان بیشتر از پیش بیفزاید و مشمول نعمت های معنوی و مادّیش قرار دهد.

## تقدیم:

این نوشته را تقدیم میدارم به پیشگاه پیامبر رحمت مروج آیین مودت که با ترویج آموزه های تعالی بخش آیین توحیدی سبب نجات انسان، این موجود ظلوم جهول، از گمراهی و بدبختی گردید. امیدوارم خداوند به تمام جویندگان صراط المستقیم توفیق بهره گیری از آموزه های نجات بخش دین مبین اسلام را عنایت فرمایند.

## چکیده

در این تحقیق حدود مطاف کعبه از چهار جانب یعنی داخلی، بیرونی، فوقانی و تحتانی آن بررسی شد در حد داخلی تمام مذاهب اسلامی توافق نظر دارند که طواف باید از ورای دیوار بیت، حجر و شاذروان صورت گیرد. منتهی در مورد شاذروان و حجر این اختلاف دیده می شود که آیا آن دو جزئی از دیوار بیت و بیت است یا نه؟ در این ارتباط دو نظر وجود دارد که با عنایت به ادله طرفین به نظر میرسد حق با کسانی است که شاذروان را جزئی دیوار بیت نمی دانند و حجر را جزئی از بیت؟ در مورد حد بیرونی مطاف یک نظر اینست که مطاف محدود به محل مقام است این نظر به مشهور از علمای امامیه نسبت داده شده است و نظر دوم اینست که محدود به مقام نیست در این رابطه شافعیه، حنابله و حنفیه از مذاهب اهل سنت قائلند که طواف از هر کجای مسجد الحرام جایز است و مالکیه محدود به مسجد سابق می داند از امامیه آنهایی که مطاف را محدود به مقام نمی دانند خود بر چند قول شده اند عده ای صدق عرفی در آن را شرط نموده معتقدند تا هر کجایی از مسجد الحرام که طواف عرفاً صدق کند طواف جایز است و عده ای حکم بجواز با کراهت در بیرون از مقام نموده اند با دقت به ادله هر یک از نظریات در مورد حد بیرونی، به نظر می رسد همین جواز با کراهت در حال اختیار درست باشد. در رابطه با حد فوقانی مطاف کعبه میان فقهای امامیه و اهل سنت دو نظر عمده وجود دارد، اکثر فقهای امامیه و بعضی از شافعیه معتقدند که طواف در بالاتر از دیوار کعبه جایز نیست. حنفیه، حنابله، اکثر شافعیه و قائلی از امامیه معتقدند که طواف در بالاتر از دیوار کعبه جایز است و مالکیه هم بر این اعتقاد است که سقف مسجد خارج از آن است و طواف بر آن جایز نیست. با توجه به ادله ای که آنها اقامه می نمایند می شود گفت طواف در بالاتر از آن حد از دیوار کعبه که عرفاً طواف صدق نکند جایز نباشد زیرا ادله ای را که قائلین غیر این نظر اقامه نموده اند کافی به مطلب نیست. حد تحتانی مطاف هر چند در مورد آن نظری را نمی شود در کتب استدلالی و فتوایی دید اما می توان ادعا نمود کسانی که در حد فوقانی قائل به عدم محدودیت مطاف اند در حد تحتانی هم باید همین نظر را داشته باشند زیرا ادله ای که برای حد فوقانی اقامه نموده اند در حد تحتانی هم می شود تطبیق داد و معتقدین به تحدید در حد فوقانی باید در حد تحتانی نیز قائل به تحدید گردند چرا که ادله ای در آنجا در حد تحتانی نیز تطبیق می کند. در حال ازدحام و اضطرار قائلین به تحدید حدود مطاف طواف در خارج از حد را از باب عسر و حرج و قاعده اضطرار اجازه میدهند. روئیت بیت در هیچ یک از مذاهب اسلامی از شرایط طواف محسوب نشده است.

فهرست مطالب.....	أ
طرح تحقیق.....	۱
بخش اوّل: مفاهیم و کلیات:.....	۱
فصل اوّل: مفاهیم.....	۴
مفهوم محدوده و مراد از آن:.....	۴
مفهوم مطاف و مراد از آن:.....	۱۲
کار برد "مطاف" در فقه و مراد از آن در این رساله:.....	۱۷
جمع بندی معنای حد و مراد از محدوده:.....	۱۷
مفهوم مذاهب و مراد از آن در اینجا:.....	۱۸
فصل دوّم: کلیات.....	۲۰
اقوال در بانی بنای کعبه:.....	۲۰
شرایط طواف نزد امامیه.....	۲۶
واجبات طواف نزد امامیه:.....	۲۷
شروط صحت طواف نزد اهل سنت:.....	۲۸
پیشینه بحث محدوده مطاف:.....	۳۱
الف: محدوده مطاف در کتب امامیه.....	۳۱
ب: محدوده مطاف در کتب اهل سنت.....	۳۶
بخش دوم: حدّ افقی مطاف.....	۴۳
فصل اوّل: حد داخلی مطاف.....	۴۵
تبیین حد داخلی مطاف:.....	۴۷
نظر امامیه در حد داخلی مطاف:.....	۴۷

ب	فهرست مطالب
۵۰	وجوب طواف از بیرون کعبه:
۵۸	بررسی طواف شاذروان کعبه:
۶۰	محل شاذروان:
۶۱	حکم طواف شاذروان:
۶۹	نتیجه بحث:
۶۹	مسح دیوار کعبه از روی شاذروان:
۷۴	بررسی حجر و احکام طواف آن:
۸۰	حد داخلی مطاف از منظر اهل سنت:
۸۱	اقسام طواف از دیدگاه اهل سنت:
۸۱	شروط صحت طواف:
۸۳	حکم طواف شاذروان از نگاه اهل سنت:
۹۰	تحقیق مطلب:
۹۳	حکم طواف حجر از منظر اهل سنت:
۱۰۱	تحقیق مطلب:
۱۰۳	فصل دوم: حد بیرونی مطاف:
۱۰۳	مراد از حد بیرونی مطاف:
۱۰۳	نظر امامیه در حد بیرونی مطاف:
۱۰۷	بررسی نظر مشهور امامیه:
۱۰۹	ادله ی تحدید حد بیرونی مطاف به مقام:
۱۱۷	بررسی قول دوم در حد بیرونی مطاف:
۱۲۵	تحقیق مطلب:

ج	فهرست مطالب.....
۱۲۶	حد بیرونی مطاف از منظر اهل سنت:.....
۱۲۶	نظر حنفیه در حد بیرونی مطاف:.....
۱۳۰	نظر شافعیه در حد بیرونی مطاف:.....
۱۳۴	نظر حنابله در حد بیرونی مطاف.....
۱۳۵	نظر مالکیه در حد بیرونی مطاف.....
۱۳۶	تحقیق مطلب:.....
۱۳۸	بخش سوم: حد عمودی مطاف.....
۱۳۹	فصل اول: حد فوقانی مطاف.....
۱۳۹	حد فوقانی مطاف از منظر امامیه:.....
۱۴۲	ادله جواز طواف بالاتر از سطح زمین اطراف کعبه:.....
۱۴۳	حکم طواف موازی با سطح کعبه و بالاتر از آن:.....
۱۴۵	بررسی حکم طواف موازی با سطح کعبه و بالاتر از آن:.....
۱۴۶	نظر اول: جواز طواف در فضای هم سطح کعبه و بالاتر از آن:.....
۱۵۵	نظر دوم: عدم جواز طواف در فضای بالاتر از کعبه:.....
۱۶۱	تحقیق مطلب :.....
۱۶۳	نظر اهل سنت در حد فوقانی مطاف:.....
۱۷۴	حد تحتانی مطاف از نظر امامیه:.....
۱۷۶	حد تحانی مطاف از منظر اهل سنت.....
۱۷۸	بخش چهارم: تنبیهات حدود مطاف.....
۱۷۹	نظر امامیه در حد مطاف در حال ازدحام:.....
۱۸۲	طواف در حال اضطرار از منظر امامیه:.....



فهرست مطالب.....د

نظر اهل سنت در حد اضطراری مطاف:.....۱۸۶

تحقیق مطلب:.....۱۹۰

نتیجه.....۱۹۲

## طرح تحقیق

### مقدمه تحقیق:

موضوع تحقیق حاضر بررسی تطبیقی حدود مطاف از دیدگاه مذاهب اسلامی می باشد. این موضوع تعلق دارد به مسئله طواف که یکی از اعمال رکنی حج و عمره است؛ که ترک آن عمداً چه عالم به حکم آن باشد و چه نباشد سبب بطلان حج می شود و این عمل عبادی دارای اجزا و شرایطی است که خلل در آنها موجب بطلان آن می شود. و یکی از شرایط طواف محل آن است که در اطراف بیت الحرام قرار دارد و عمل طواف باید در این محل انجام گیرد که از آن تعبیر به مطاف می شود و مطاف اسم است برای محل طواف که طواف در خارج از آن باطل است.

### بیان مساله:

مراد از مطاف در این رساله مکانی است که در اطراف بیت الله الحرام قرار دارد و حاجیان مکلف اند از آن مکان خانه کعبه را طبق ضوابطی که در شرع مقدس مقرر گردیده است طواف نمایند. این مکان شریف از جهات طولی و عرضی اندازه های مشخصی دارد که از انتهای هر یک از آن اندازه ها تعبیر به حد می شود که جمع آن حدود است این حدود در مطاف به اعتبار جهات اربعه با توجه به محوریت خانه کعبه به چهار جهت: داخلی، بیرونی، فوقانی و تحتانی قابل تقسیم است.

### پرسش اصلی تحقیق:

حدود مطاف از دیدگاه مذاهب اسلامی چیست؟

### پرسش های فرعی:

۱- مراد از مطاف و محدوده چیست؟

۲- حد داخلی مطاف از منظر مذاهب اسلامی چیست؟ و ادله ی آن کدام است؟

۳- حد خارجی مطاف از منظر مذاهب اسلامی چیست؟ و ادله ی آن کدام است؟

۴- حد مطاف از جهت طبقات فوقانی و تحتانی از منظر مذاهب اسلامی چیست؟ و ادله ی آن کدام است؟

۵- محدوده مطاف در حال اضطرار و ازدحام از منظر مذاهب اسلامی چیست؟

۶- دیدگاه فقها مذاهب اسلامی درباره‌ی رویت بیت در حد مطاف چیست؟

### سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

بحث از حدود مطاف همانطور که در بخش اول این رساله به‌طور مفصل مطرح خواهد شد از زمان مرحوم شیخ طوسی در کتب استدلالی فقهی به نحوی مجمل و پراکنده مطرح شده است. البته نه تحت عنوان حدود مطاف بلکه به بعضی از جوانب آن اشاره شده است؛ مثل حد داخلی که دیوار کعبه باشد و حد خارجی که بنابر نظر ایشان مقام ابراهیم (علی نبینا و آله و علیه و السلم) است و علمای بعد از ایشان این مسئله را بطور مفصل‌تر در تألیفات خود مطرح کرده‌اند. اما هیچکدام جامع نیست به‌طوری که شامل تمام جوانب حدود مطاف باشد و نظریات اهل سنت را هم در برگیرد و از طرفی احکام این مسئله یک امر مبتلا به بین مسلمین است و آن احکام در موردی که جایگاه اجتماع تمام مذاهب اسلامی است، کاربرد دارد. و نیز با توجه به تغییرات بسیاری که در اثر کارهای معماری در این اواخر در آن مکان به وجود آمده است و در این مورد تا جایی که نگارنده جستجو نموده است تحقیق مستقلی که بحث حدود مطاف را به‌طور منقح و شفاف بیان کرده باشد وجود ندارد، لذا لازم است مسئله حدود مطاف به‌طور جداگانه از دیدگاه تمام مذاهب اسلامی مورد غور و بررسی قرار گیرد.

### فرضیه های تحقیق:

- حد داخلی مطاف دیوار بیت‌الله الحرام است .
- حد بیرونی مطاف بستگی به توسعه در مسجدالحرام دارد.
- حد فوقانی مطاف بستگی به ارتفاع بیت‌الله الحرام دارد.
- حد تحتانی مطاف بستگی به صدق عرفی دارد.

### روش تحقیق:

از آنجایی که در این تحقیق نسبت به مسئله مطرح شده باید نظریات علمای مذاهب اسلامی مورد بررسی و تحلیل قرار بگیرد و از جانبی موضوعاتی از قبیل حد، مطاف، مذاهب و دیگر موضوعات تعریف و توصیف شود روش تحقیق تحلیلی و توصیفی خواهد بود و به لحاظ گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای است.

## بخش اول: مفاهیم و کلیات:

مفهوم محدوده

مفهوم مطاف

مفهوم مذهب

پیشینه بحث مطاف

## فصل اول: مفاهیم

### مفهوم محدوده و مراد از آن:

ماده "محدوده" که "حد" باشد؛ در لغت معانی مختلفی برای آن ذکر شده است مثل منع، فصل، تندی، انتها و معانی دیگری که بعداً به آنها به طور مفصل پرداخته خواهد شد، لازم است برای رسیدن به مفهوم "محدوده" و مراد از آن در این رساله ابتدا چند مسئله را به شرح ذیل بررسی و تحقیق نماییم.

### بررسی واژه محدوده:

"محدوده"، مثل مضروبه بر وزن مفعوله از ماده ی (ح د د) است. و این وزن در این ماده مشترک است در معنای مکان عمل، زمان عمل و نفس عمل. ریشه این واژه که "حد" باشد در فارسی به انتها، خاتمه، پایان، مرز، کناره، حاشیه، دوره، تعریف و تشریح، ترجمه شده است.<sup>۱</sup> لغویین برای ماده این کلمه در موضوعات مختلف معانی مختلف بیان نموده اند. برای روشن شدن معنای حقیقی ماده ی کلمه مذکور از غیر حقیقی آن، ابتدا معنای ماده ی "محدوده" را، با قطع نظر از موارد استعمال آن؛ از منظر لغویین بررسی می نماییم.

### معانی مطرح در لغت برای محدوده:

با مراجعه به کتب لغت، همانطور که اشاره شد می شود چند معنای به ظاهر مخالف برای ماده ی "محدوده" که "حد" باشد با قطع نظر از موارد استعمال آن جستجو نمود، که عبارتند: از فصل و جدایی بین دو یا چند چیز، منع و حایل، انتها و پایان، انصراف و اعراض، حدّت و شدت. ابن منظور در ذیل کلمه "حد" که جمع "حد" باشد در معنای ماده ی این کلمه با قطع نظر از موارد استعمال آن می نویسد: «الحدّ الفصل بین الشیئین لثلا ینتلط أحدهما بالآخر أو لثلا یتعدی أحدهما علی الآخر»<sup>۲</sup>، "حد" عبارت است از: فصل و جدایی بین دو چیز تا یکی مخلوط به دیگری یا یکی تعدی بر دیگری نکند.

۱- احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، انتشارات اسلام، ت ۱۳۷۴، ج ۱، ماده ۱، حد

۲- ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، لبنان، ت ۱۴۱۴

راغب در مفردات همین معنا را با ذکر ملزوم آن که حایل باشد برای "حد" ذکر نموده و می نویسد: «الحدُّ الحَاجِزُ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ الَّذِي يَمْنَعُ اخْتِلَاطَ أَحَدِهِمَا بِالْآخَرِ»<sup>۱</sup> "حد" عبارت است از چیزی که میان دو چیز حایل شده و از اختلاط آنها جلوگیری می کند.

جوهری در صحاح اضافه بر معنایی که راغب برای ماده ی "حد" نموده است معنای دیگری را اضافه می نماید و می نویسد: «وَالْحَدُّ الْمَنْعُ، وَ مِنْهُ قِيلَ لِلْبُؤَابِ حَدَادٌ»<sup>۲</sup> "حد" عبارت است از: منع و برای همین که "حد" به معنای منع است به دربان حداد می گوید:

ابن اثیر نیز در نهاییه دو معنای منع و فصل را برای "حد" ذکر نموده و می گوید: «وَأَصْلُ الْحَدِّ الْمَنْعُ وَالْفَصْلُ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ»<sup>۳</sup> معنای ریشه و ماده "حد" عبارت از منع و فصل بین دو چیز است.

فیومی هم در المصباح المنیر دو معنای فصل و منع را برای "حد" ذکر می کند و می نویسد: «وَالْحَدُّ فِي اللُّغَةِ الْفَصْلُ وَالْمَنْعُ»، "حد" در لغت به معنای فصل و منع است برای معنای اول که فصل باشد استشهاد می کند. به قول شاعر و می گوید: «فَمِنْ الْأَوَّلِ قَوْلُ الشَّاعِرِ جَاعِلِ الشَّمْسِ حَدًّا لَا خَفَاءَ بِهِ». برای معنای دوم استناد می کند به جمله "حددته" و می نویسد: «وَمِنَ الثَّانِي حَدِدْتُهُ عَنْ أَمْرِهِ إِذَا مَنَعْتَهُ فَهُوَ مَحْدُودٌ»<sup>۴</sup> و از معنای دوم (منع) منع کردم او را از کار او وقتی او را منع کنم پس او ممنوع است. "حددته" را معنا کرده به منعته. در تاج العروس علاوه بر دو معنای مشهور یعنی فصل و منع سه معنای دیگر برای ریشه و ماده "حد" ذکر شده که عبارتند از انتها و پایان، اعراض و انصراف، حدت و شدت<sup>۵</sup>.

چنانچه ملاحظه می شود. شش معنا برای ماده و ریشه "حد" بدون توجه به موارد استعمال و کاربرد آن در کتب لغت دیده می شود. که عبارتند از: فصل و جدایی، حایل، منع، پایان، اعراض، حدت و شدت. در این که از این شش معنا کدام یک موضوع له حقیقی اصل و ریشه "حد" است میان عالمان لغت نظریاتی وجود

۱ - حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ هـ ق، ۲۲۱.

۲- اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ دار العلم للملایین، بیروت، لبنان، ت ۱۴۱۰ هـ ق، ج ۱، ص ۴۶۲.

۳- مبارک بن محمد ابن اثیر جزیری، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ایران، ج ۱، ص ۳۵۲.

۴- احمد بن محمد مقری فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی منشورات دارالرضی، قم - ایران، ج ۱، ص ۱۲۴.

۵ - محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی زبیدی، حنفی واسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفکر للطباعة و النشر و

التوزیع، بیروت، لبنان، ت ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۱، ص ۴، ۴۱۰

دارد. بعضی از آنها، معانی مذکور برای "حد" را از باب لازم و ملزوم هم میدانند و تفاوت ماهوی میان آنها قائل نیستند و بعضی دیگر همه را به منع و بعضی دیگر هم به حدت و شدت بر می گردانند که بعداً آنها را بررسی می کنیم.

### موضوع له ماده محدوده:

در اینکه از این معانی کدام یک موضوع له حقیقی ماده "محدوده" است دو نظریه وجود دارد.

### نظر اول در موضوع له ماده محدوده:

اکثر لغویین قائلند به اینکه معنای حقیقی ماده "محدوده" عبارت است از "منع" و معانی دیگر غیر از معنای منع که برای "حد" شده است آنها را بر می گردانند به همین معنای "منع" مثل تاج العروس که می نویسد: «وَالْحَدُّ الدَّفْعُ وَالْمَنْعُ وَحَدَّ الرَّجُلُ عَنِ الْأَمْرِ يُحَدُّهُ حُدًّا: مَنْعُهُ وَحَبْسَهُ». ایشان کلمه "حد" را هم در اصل و هم در مثال به معنای منع گرفته و برای اثبات این معنا برای "حد" استشهاد می کند به قول شاعر که می سراید:

إِلَّا سَلِيمَانَ إِذْ قَالَ لِلَّهِ لَهُ  
قَمِ فِي الْبَرِيَّةِ فَاحْدُدْ هَاعَنِ الْفَنَدِ

کلمه "فاحدد" که صیغه امر از ماده "حد" که ریشه محدوده است در این شعر به معنای "منع" است. خداوند به حضرت سلیمان فرمود در میان مردمم قیام کن و منع کن آنها را از جهل و نادانی و بعد شعر دیگری را شاهد می کشد که شاعر می گوید:

لَا تَعْبُدَنَّ اللَّهَ غَيْرَ خَالِقِكُمْ  
وَإِنْ دُعِيتُمْ فَقُولُوا دُونَهُ حَدَدًا

شاعر کلمه "حدد" را به معنای منع بجای ممنوع بکار برده است. یعنی خدایی را که غیر از خدایی که خالق شماست عبادت نکنید. اگر به غیر چنین خدایی دعوت شدید بگوید عبادت غیر این خدایی که خالق ماست ممنوع است. و بعد هم برای هر یک از "حد" به معنای تأدیب گناه کار، "حد" به معنای تمیز "حد" به معنای انتها و "حداد" به معنای بواب و دربان و جوهی را بیان می کند که نشان می دهد استعمال "حد" در این معانی از باب مجاز است.

مثلاً در وجه استعمال "حد" به معنای تأدیب مذنب می نویسد: «بِمَا يَمْنَعُهُ عَنِ الْمَعَاوِدَةِ وَيَمْنَعُ أَيضاً غَيْرَهُ عَنِ أَيْتَانِ الذَّنْبِ»، همان گونه که ازیان توجیه بر می آید ایشان خواسته بگوید که این استعمال از باب ذکر مسبب و

اراده سبب است زیرا که تأدیب سبب منع مذنب و غیر مذنب از عود به گناه می شود و ذکر مسبب و اراده سبب یکی از علاقات مجاز است. و در وجه استعمال "حد" به معنای انتها نوشته: «لأنه يردّه و يمنع عن التمداد». در این مورد هم "حد" که ریشه محدوده است در غیر معنای موضوع له خود استعمال شده است و این استعمال مجاز است از باب ذکر لازم و اراده ملزوم زیرا که از لازمه انتها و پایان یک چیز منع از اختلاط با چیز دیگری است و ذکر لازم و اراده ی ملزوم هم یکی از علاقات مجاز است و باز در وجه استعمال «حَدَّاد» که مصدر دوم باب تفعیل ، بر وزن «فَعَّال» است. در معنای «بَوَّاب» (دربان) می آورد: «لأنه يمنع من الخروج» این استعمال نیز مجاز بوده و از باب ذکر لازم و اراده ملزوم است زیرا که از لازمه دربانی در بعضی از موارد اینست که منع کند از خروج افراد از آن محل یا خروج اشیاء از آنجا و همان طور که قبلاً بیان شد یکی از علاقات مجاز ذکر لازم و اراده ی ملزوم است<sup>۱</sup>

صاحح الغه هم معتقد است که "حد" در لغت به معنای منع است ایشان در ذیل ماده "حد" اول دو مورد از موارد استعمال مجازی "حد" را مطرح نموده و می نویسند: «الحدُّ الحاجز بين الشيئين و حدُّ الشيء منتهاه». "حد" یعنی حائل بین دو چیز و "حد" چیزی یعنی منتهی آن چیز. و ما قبلاً وجه مجازیت استعمال "حد" را به این دو معنا بیان کردیم. و بعد معنای حقیقی "حد" را مطرح کرده و می نویسند: «والحدُّ المنعُ و منه قيل للبواب: حدَّاد». "حد" در لغت به معنای منع است روی همین جهت به دربان حداد می گوید و برای اثبات این معنا برای "حد" استشهاد می کند به شعر از اعشی که چنین سروده است:

فَقَمْنَا و لَمَّا يَصْحُ دِيكُنَا  
إِلَى جَوْنَةٍ عِنْدَ حَدَادِهَا

در این شعر کلمه "حدَّاد" به معنای "منع" به کار رفته است و بعد ایشان کاربرد "حد" و مشتقات آن را در غیر معنای منع توجیه می کند؛ و برای آن وجه مصحح بیان می کند مثل کاربرد "حدَّاد" در مورد سجان که به معنای زندانبان است در وجه مصحح استعمال "حدَّاد" در این مورد می نویسند: «لأنه يمنع من الخروج».<sup>۲</sup> و ما قبلاً در مثل این مورد علاقه مجاز را بیان کردیم. و بعد ایشان همین قسم موارد دیگری را هم مطرح می کند که نیاز به ذکر از آن دیده نمی شود.

۱- محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی واسطی، زبیدی، حنفي، تاج العروس من جواهر القاموس، دار الفكر للطباعة و النشر و

التوزيع، بیروت، لبنان، ت ۱۴۱۴ هـ، ج ۱، ص ۲۱۱، ۴۱۱.

۲- اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، العلم للملايين، بیروت - لبنان، ت ۱۴۱۰ هـ، ج ۱، ص ۲، ۴۶۲



ابن اثیر نیز از جمله لغویین است که تصریح می کند بر اینکه "حد" در لغت به معنای منع است و می نویسد: «و أصل الحدّ المنع والفصل بین الشیئین».<sup>۱</sup> "حد" در اصل به معنای منع و فصل بین دو چیز است. البته فصل از لازمه معنای منع است نه اینکه مصداق دیگری برای معنای "حد" باشد تا اینکه از قبیل مشترک معنوی باشد. همین معنای مذکور را برای "حد" علمای زیادی از شیعه و سنی به پیروی از اهل لغت پذیرفته است. شهید ثانی در مسالک می نویسد: «الحدود جمع حدّ و هو لغة: المنع. و منه أخذ الحدّ الشرعی، لكونه ذریعة إلی منع الناس عن فعل موجب».<sup>۲</sup> "حدود جمع "حد" است و "حد" در لغت به معنای منع می باشد. از همین حد به معنای منع "حد" شرعی گرفته شده است؛ زیرا که "حد" شرعی سپری است برای منع مردم از فعلی که سبب "حد" شرعی می شود و غیر از ایشان جمع کثیر از فقهای امامیه در کتب فقهیه خود وقتی که "حد" را در لغت معنا می کنند همین معنای منع را برای آن می نویسند؛ مثل صاحب جامع المدارک<sup>۳</sup> و صاحب ریاض<sup>۴</sup> و دیگران. و همچنین گروه زیادی از عالمان اهل سنت از جمله محیی الدین نووی می نویسد: «أصل الحد في اللغة: المنع، وقيل للبواب حداد، لأنه يمنع من يدخل الدار من غير أهلها».<sup>۵</sup> "حد" در لغت به معنای منع است برای دربان حداد می گوید زیرا که او منع می کند از دخول غیر اهل خانه در آن و دیگرانی از آنها مثل خطیب در مغنی المحتاج<sup>۶</sup> و سرخسی در المبسوط<sup>۷</sup> همین معنای "منع" را در لغت برای "حد" اختیار نموده اند.

- 
- ۱- مبارک بن محمد ابن اثیر جزري، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، ج ۱، ص ۳۵۲
  - ۲- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم - ایران، ت ۱۴۱۳ هـ ق، ج ۱، ص ۱۴، ص ۳۲۳
  - ۳- سید احمد بن یوسف خوانساری، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، مؤسسه اسماعیلیان، قم - ایران، ت ۱۴۰۵ هـ ق، ج ۲، ص ۷، ص ۲.
  - ۴- سید علی بن محمد طباطبایی حائری، ریاض المسائل (ط - الحدیث) مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، ت ۱۴۱۸ هـ ق، ج ۱، ص ۱۵، ص ۴۳۳
  - ۵- محیی الدین النووی، المجموع فی شرح المهدّب، دارالفکر، ج ۲۰، ص ۳.
  - ۶- محمد الشربینی الخطیب، مغنی المحتاج، داراحیاء التراث العربی، ت ۱۳۷۷ هـ ق، ص ۴، ص ۱۵۵.
  - ۷- شمس الدین السرخسی، المبسوط، دارالمعرفة، م بیروت، ت ۱۴۰۶ هـ ق، ج ۹، ص ۳۶.

## نظر دوم در موضوع له ماده "محدوده":

معنای دومی که بعنوان موضوع له حقیقی "حد" که ریشه محدوده باشد مطرح شده است حدت و شدت است این معنا را مرحوم مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن مطرح نموده است. ایشان ابتدا معنای "حد" را به نقل از مصباح، المنیر، معجم مقایس اللغة و صحاح مطرح می نماید و بعد خودش در ضمن التحقیق ابراز نظر نموده می نویسد: «أن الأصل الواحد في هذه المادة: هو الحدّة و الشدّة» حدت و شدت یگانه معنای اساسی و ریشه ای این ماده می باشد<sup>۱</sup> بعد ایشان توضیح میدهد که این معنا یعنی حدت و شدت مصادیق مختلف به اعتبار موضوعات مختلف پیدا می کند. برای اثبات این مدعی موارد زیادی را مطرح نموده به عنوان اینکه معنای "حد" در آنها مصداقی از مصادیق حدت و شدت است. می نویسد: «و الحدّة تختلف مصداقاً باختلاف الموضوعات، فقال في حدّ الشراب: سوره. و في حدّ السيف: شحذه. و في حدّ النظر: نفوذه. و في الحدّ علی الزوج: ترك التزین له. و في الحدّ علی شخص: الغضب علیه. و في حدود الدار: مميزاتا و مشخصاتها. و في محدودية الرجل: ممنوعيته من جهة أو جهات. و رجل حادّ: ذو بأس و شدة. و الحديد: لكونه ذا حدّة و سورة و شدة في نفسه. و سكين حديد: قاطع. و لسان حديد و الجمع حداد: أي شديد نافذ حادّ. و حدود الله تعالى: أحكامه و نواهيہ الشديدة القاطعة التي فيها حدّة و بأس و سورة»<sup>۲</sup>. بنابر نظر ایشان در تمام این معانی که در مثال های مذکور برای "حد" شده است که عبارت باشد از سورت، تیزی، نفوذ، ترک زینت، غضب، مميزات، ممنوعیت، غلبه و قاطعیّت معنای حدت و شدت اشراب شده است لذا همه اینها از مصادیق همان معنای واحد است که حدت و شدت باشد. و استعمال کلمه "حد" در تمام این معانی از باب استعمال لفظ در موضوع له حقیقی آن است و این معانی از مصادیق معنای حقیقی "حد" می باشد.

## بررسی دو معنای مذکور برای موضوع له ماده محدوده:

از دو نظری که در موضوع له ماده "محدوده" بیان شد؛ به نظر می رسد که فرمایش آقای مصطفوی در موضوع له حقیقی ماده "محدوده" قابل تأمل باشد مخصوصاً با توجه به شواهدی که از قرآن می آورد؛ زیرا که ایشان با ذکر مواردی از کاربرد "حد" و معنای "حد" در آن موارد مدعی شده است این الفاظی که با آن "حد"

۱- حسن، مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مرکز الكتاب للترجمة و النشر، تهران، ایران، ت ۱۴۰۲ هـ، ج ۱، ص ۱۷۹

۲- همان،

در موارد مذکور معنا شده است به معنای حدت و شدت است که در فارسی به تندی ترجمه می شود پس این موارد از مصادیق معنای حقیقی "حد" است که به نظر ایشان همان حدت و شدت باشد.

ممکن در نقد این نظر گفته شود. شما با تمسک به موارد استعمال "حد" در معانی که از باب لازم و ملزوم، آن معانی یک نوع مناسبتی با معنای حدت و شدت دارد ادعا می نمایید که "حد" وضع شده برای حدت و شدت در حالی که استعمال اعم از حقیقت و مجاز است و ثانیاً همین مناسبت ها را در معانی مذکور با "منع" هم می شود دید، مثلاً ممیزات یک شیئی منع می کند از تداخل اشیاء دیگر با آن شیئی و باز مثل غضب که سبب دفاع از دشمن می شود و دفاع لازم دارد منع را و باز شواهدی را که از قرآن می آورد هم قابل بررسی است یکی از آیاتی که به آن استشهاد شده است این آیه شریفه است: «الْمُ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مِنْ يُحَادِدِ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ» ۶۳ / ۹. توبه. کلمه ی "یحادد" را در اینجا اینگونه معنا می کند: «أَي من يعمل عملاً حاداً وبالشدّة و الخسونة»<sup>۱</sup> در حالی که قریب به اتفاق مترجمین قرآن کریم، با توجه به ظاهر این کلمه در آیه شریفه بدون هیچگونه ملاحظه دیگری آن را به مخالفت و دشمنی معنا کرده است از باب تبادر این معنا به ذهن از این کلمه، و یکی از علامات حقیقت تبادر است اما مرحوم مصطفوی با پیش فرض اینکه موضوع له حقیقی "حد" حدت و شدت است آیه شریفه را آنگونه معنا نموده است. لذا بر اساس تبادر باید گفت "حد" در لغت به معنای منع است؛ همانطور که مشهور لغویین گفته و اکثر عالمان شیعه و سنی قبول نموده اند؛ استعمال آن در غیر معنای منع مجاز است و نیاز به قرینه دارد.

### معنای کاربردی ماده محدوده در فقه:

برای رسیدن به معنای اصطلاحی آن لازم است نظری به کاربرد آن در فقه بیندازیم و موارد استعمال آن را در آنجا جستجو نماییم تا معلوم گردد که آیا این واژه در فقه معنای خاصی میدهد یا به همان معنای لغوی خود به کار گرفته شده است و یا کدام معنای مجازی از آن اراده شده است جهت روشن شدن این مطلب می گوئیم برای "حد" که ریشه محدوده باشد در فقه دو معنا دیده می شود.

### الف. حد به معنای اندازه:

برای "حد" به معنای اندازه در موارد متعددی در ابواب مختلف از فقه دیده می شود مثل حدالکر در باب اقسام آب ها و یا حدالوجه و حدالید در باب وضوء، حدالركوع و حدالسجود در باب نماز، حدالترخص در

باب نماز و صوم مسافر، حدالنصاب در باب زکات، حد الظاهر من الفم در باب صوم و حدودالحرم در باب حج و موارد دیگر.

در تمام این موارد همان طور که ملاحظه می شود "حد" به معنای اندازه به کار رفته است منتهی این مقدار و اندازه گاهی مقدار و اندازه ای در مساحت است مثل حد کر، حد وجه، حد ید و حد حرم که مراد از "حد" در آنها مقدار مساحت هر یک از آنها می باشد و گاهی مقدار و اندازه ای در کیفیت است مثل حد رکوع و حد سجود که مراد آن مقداری از انحنا و خم شدن در هر یک از رکوع و سجود است و گاهی مقدار و اندازه ای در مسافت و بعد است مثل حد ترخص و گاهی مقدار و اندازه ای در کمیت است مثل حد نصاب و موارد دیگری.

حدی که به این معنا است از ممیزات و مشخصات شیئی است که لازم دارد منع از امتداد آن را و استعمال "حد" به معنای مقدار از باب ذکر ملزوم و اراده لازم است که منع باشد و قبلاً ثابت شد که منع موضوع له حقیقی "حد" است لذا این استعمال مجاز است. این یک نوع از استعمال است که در فقه برای "حد" دیده می شود.

### ب. حد به معنای عقوبت (معنای اصطلاحی)

کاربرد این معنا از "حد" در فقه در باب حدود دیده می شود مثل حد الزنا، حد اللواط، حد السحق، حد القذف، حد القيادة، حد شرب الخمر، حد السرقة، و حد المحاربة. در تمام موارد مذکور "حد" به معنای عقوبت به کار رفته است این معنا از "حد" اصطلاح خاصی است که توسط فقهاء برای "حد" جعل شده است و آن را مرحوم صاحب مسالک بعد از ذکر معنای لغوی آن، چنین تعریف می کن: «و شرعاً: عقوبة خاصة يتعلق بايلا م البدن بواسطة تلبث المكلف بمعصية خاصة، عين الشارع كميته في جميع افراده». "حد" شرعاً عبارت از مجازات معینی است که تعلق می گیرد به آزرده بدن مکلف به جهت ارتکاب او معصیت و گناه مشخصی را. و شارع مقدار و اندازه آن عقوبت را در تمام موارد افراد آن معین نموده است؛<sup>۱</sup> و مانند همین تعریف را

۱- شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ایران ت ۱۴۱۳ هـ